

اشکال مرحوم فاضل بر مرحوم بروجردی

مرحوم فاضل می نویسد:

- ۱) مرحوم بروجردی دلیلی اقامه نکرده اند که چرا امور اعتباری قابل تشکیک نیستند؟
- ۲) بلکه در برخی از اعتبارات، تشکیک دیده می شود مثلا در «بیع»: اعتبار شدید داریم که بیع اصیل است و اعتبار ضعیف که بیع فضولی است.^۱

ما می گوئیم :

۱. اینکه دلیلی بر عدم تشکیک در امور اعتباری اقامه نشده است، سخن کاملی است.
 ۲. اما در مثال بیع، می توان گفت در بیع فضولی، اعتبار ملکیت نشده است بلکه اعتبار قوه ملکیت شده است و لذا آثار ملکیت بر چنین عقدی - تا وقتی که اجازه مالک به آن ملحق نشود - بار نمی شود.
- جمع بندی قول مرحوم آخوند خراسانی:

قول ایشان روی مبنای ایشان که امر را طلب انشایی به حساب می آورند، قابل قبول است و اشکال ثبوتی ندارد.

❖ قول هفتم: قول مرحوم بروجردی

مرحوم بروجردی بنا بر آنچه در نهایت الاصول آمده، می نویسد:

«و التحقیق: أن الفرق بین قسمیه بالشدة و الضعف، و لكن لا بالشدة و الضعف فی ذات الطبیعة، لما عرفت من أن الأمر الاعتباری لا یقبل التشکیک الذاتی، بل بالشدة و الضعف المنتزعين بحسب المقارنات، فکما أن الاختلاف بین البیاض الشدید و الضعیف لیس إلاّ بكون البیاض فی الثانی مخلوطا بغيره من الألوان الأخر، کالدورة مثلا بخلافه فی الأول، و بعبارة أخرى یكون الامتیاز بینهما باعتبار وجود المقارنات و عدمها، فکذلك الاختلاف بین الوجوب و الندب لیس إلاّ باعتبار المقارنات، فالطلب المنشأ بالصیغة أمر واحد، و لیس له نوعان متمایزان بالفصل أو بالتشکیک فی ذاتیتهما، بل یختلف أفرادہ باعتبار ما یقترن به، فقد یقترن هذا الأمر الإنشائی بالمقارنات الشدیدة فینتزع عن الطلب المقترن بها وصف الشدة، و قد یقترن بالمقارنات الضعیفة فینتزع عن الطلب المقترن بها عنوان الضعف، و قد لا یقترن بشیء أصلا، مثلا من یقول لعبدہ «اضرب» قد یقوله ضاربا برجلیه الأرض و محرکا رأسه و یدیه، و قد یقوله معقبا إیاه بقوله: «و إن لم تفعل فلا جناح علیک»، و قد یقوله بدون هذه المقارنات، فینتزع عن الأول الوجوب، و عن الثانی الندب، و اختلف فی الثالث، و یستکشف من الأول شدة إرادة المولی، و من الثانی ضعفها، و من الثالث مرتبة متوسطة منها، و لكن لا دخالة لذلك فی نفس حقیقة الوجوب و الندب اللذین هما قسمان من الطلب الإنشائی بل الذی ینتزع عنه حیثیة الوجوب أو الندب هو نفس الأمر الإنشائی بلحاظ مقارناته کما عرفت. و الموضوع لحکم العقلاء باستحقاق العقوبة و عدمه أيضا نفس ذاک الأمر الإنشائی باعتبار مقارناته، فالطلب المقترن بالمقارنات الضعیفة

۱. سیری کامل در اصول فقه، ج ۳ ص ۲۱۵



موضوع لحکمهم بعدم الاستحقاق، و الطلب المجرد مختلف فيه. و قد ظهر مما ذكرنا أنه ليس للطلب بنفسه و بحسب الواقع - مع قطع النظر عن المقارنات - قسمان حتى تكون المقارنات الشديدة أو الضعيفة قرينتين عليهما، و يكون القسم الثالث خاليا من القرينة، إذ القرينة إنما هي فيما إذا كان للفظ معنيان بحسب مقام الثبوت، فأقيمت القرينة للدلالة على أحدهما في مقام الإثبات، كما في الألفاظ المشتركة و الحقائق و المجازات، و ما نحن فيه ليس كذلك.»^١

توضیح:

- ١) فرق بين وجوب و استحباب به شدة و ضعف است ولى نه به شدة و ضعف در ذات وجوب و استحباب بلکه شدة و ضعفی که از مقارنات انتزاع می شود.
- ٢) همانطور که شدة و ضعف سفیدی به اختلاطات با مقارنات است، فرق وجوب و استحباب هم به اعتبار مقارنات است.
- ٣) پس طلب انشاء شده یک چیز است ولى برخی از طلب ها با مقارنات شديدة همراه است و گاه با مقارنات ضعیفه همراه است. و همین اقتران باعث می شود که ما انتزاع عنوان شدة و ضعف کنیم.
- ٤) [پس وجوب عبارت است از طلب + مقارنات شديدة و استحباب عبارت است از طلب + مقارنات ضعیفه]
- ٥) [عبارت «لا دخالة لذلك في نفس حقيقة الوجوب و الندب اللذين هما قسمان من الطلب الإنشائي» به این معنی است که مقارنات ربطی به ذات وجوب و استحباب ندارند. چراکه تمام ذات وجوب و استحباب، طلب انشائی است و مقارنات خارج از ذات وجوب هستند و وجوب و استحباب دو صنف از طلب انشایی هستند. پس همانطور که زن و مرد تمایزشان مربوط به ذات آنها نیست و به مقارنات است، تمایز وجوب و استحباب هم مربوط به ذات آنها نیست و به مقارنات است.]
- ٦) حال اگر طلب با مقارنات شديدة همراه شد، عقلاء حکم می کنند به «استحقاق عقاب در صورت مخالفت»:
- ٧) پس طلب انشایی دارای دو قسم نیست که مقارنات، قرینه ای برای آن ها باشند (چراکه قرینه معین کننده دو قسمی است که در مقام ثبوت دو قسم هستند)

١. نهاية الأصول، صفحه ١٠٢



۱. طبق آنچه خواندیم ایشان معتقد است: وجوب طلب انشایی است، استحباب هم طلب انشایی است و این دو در طلب انشایی بودن با هم فرق ندارند. ولی مبداً وجوب اراده شدید است و مبداً استحباب اراده ضعیفه. و این اراده شدید و ضعیفه از مقارنات کشف می شوند.

۲. این مطلب به بیانی بهتر در تقریرات امام از کلمات مرحوم بروجردی آمده است: حضرت امام در لمحات الاصول، کلام مرحوم بروجردی را چنین تقریر کرده است:

«اعلم: أن ما به الامتياز بين الشئین قد يكون تمام الذات، كامتياز الأجناس العالیة بعضها مع بعض. و قد يكون بعض الذات، كامتياز الأنواع من الجنس الواحد. و قد يكون المنضّمات و الأمور الخارجة عن الذات، كامتياز الأشخاص من النوع الواحد. و هاهنا قسم رابع عند طائفة من الفلاسفة، و هو كون نفس الذات و الحقيقة المشتركة ما به الامتياز و الافتراق بأن يكون لنفس الحقيقة و الذات عرض عریض و مراتب مختلفة، كامتياز مراتب الحقائق البسيطة، كالخطّ القصير و الطویل، و مراتب الشدة و الضعف في الألوان البسيطة، كما هو المقرّر في محالّه. إذا عرفت ذلك يشبه أن يكون الامتياز بين مبدأ الطلب الذي هو الإرادة في الوجوبیّ و الندبیّ، هو هذا القسم، و أن الإرادة لما كانت من الحقائق البسيطة كالعلم و الوجود و الوحدة، تكون لها مراتب مختلفة، و ما به الامتياز فيها عين ما به الاشتراك، و تكون بينها ذات عرض عریض. و أما الاختلاف بتمام الذات، حتّى تكون الإرادة الوجوبیّة متباینة مع الندبیّة، فواضح الفساد. كما أن الامتياز ببعض الذات باطلٌ فإنّها حقيقة بسيطة، و لا يكون اختلافها بالعوارض، حتّى تكون الإراداتان واحدة، و تكون الإرادة الوجوبیّة في درجة واحدة مع الندبیّة فإنّه خلاف الضرورة. بل تكون الإرادة الشديدة و الضعیفة اللتان هما المبدأ للوجوب و الندب، المرتبتین المختلفتين بتمام ذاتهما، و المشترکتین بتمام ذاتهما - كما هو الشأن في الامتياز بنحو القسم الرابع من الأقسام - كالوجود و سائر البسائط، فلما كانت الإراداتان مختلفتين، يكون الطلب الناشئ منهما مختلفاً بالتبع، فيكون الطلب الوجوبیّ هو الطلب المتأكّد الناشئ عن الإرادة الشديدة القویّة، و الطلب الندبیّ هو الطلب الغير المتأكّد الناشئ من الإرادة الضعیفة.

الفرق بين الطلب الندبی و الوجوبی إنّ الطلب الذي هو البعث و الإغراء نحو العمل، قد يكون متأكّداً ببعض أداة التأكيد، كنوی التأكيد و غیرهما، و قد يكون مقروناً بترخيص الترك، و قد يكون مطلقاً غير مقترن بشيء منهما. و قد عرفت: أن الفرق بين مبدئىّ الندبیّ و الوجوبیّ بالشدة و الضعف، و أما الفرق بين نفس الطلبيين، فيكون بالاقتران بالترخيص و عدمه،»^۱

۱. لمحات الاصول، النص، صفحه ۴۷



توضیح:

۱. [فرق بین اراده شدیده و اراده ضعیفه از نوع فرق به شدت و ضعف در ماهیت واحده است اما فرق بین طلب وجوبی که ناشی از اراده شدیده است و طلب ندبی که ناشی از اراده ضعیفه است به مقارنات است] بیان ذلک:
۲. ممکن است به نظر آید که امتیاز مبدء طلب وجوبی و استحبابی یعنی تفاوت اراده ای که نسبت به وجوب تعلق می گیرد با اراده ای که نسبت به استحباب تعلق می گیرد، از نوع چهارم باشد (یعنی امتیاز به شدت و ضعف باشد) چراکه اراده از امور بسیطه است و دارای مراتب مختلف است.
۳. اما اختلاف به تمام ذات واضح الفساد است.
۴. اختلاف به بعض الذات هم باطل است چراکه اراده بسیطه است.
۵. اختلاف به عوارض مشخصه هم نیست.
۶. پس اراده شدید مبدء وجوب است و اراده ضعیف مبدء استحباب و این دو مرتبه به تمام ذات اختلاف و اشتراک دارند.
۷. پس طلب های ناشی از اراده های مختلف، هم مختلف هستند. اما اختلاف طلب متأكد (وجوب) و طلب غیر متأكد (استحباب) به مقارنات آنها بر می گردد.
۸. پس طلب وجوبی و طلب استحبابی بالذات فرق ندارند بلکه مبادی آنها به شدت و ضعف فرق دارند و این فرق از مقارنات فهمیده می شود.

ما می گوئیم:

- (۱) مرحوم بروجردی اراده را شدید و ضعیف می داند ولی طلب را ضعیف و شدید بر نمی شمارد. علت این امر صرفاً آن است که ایشان طلب انشایی را امری اعتباری دانسته و شدت و ضعف را در امور اعتباری جاری نمی داند (چنانکه خواندیم).
- (۲) این مطلب به صراحت در تقریرات دیگر ایشان *الحجّة فی الفقه* نیز آمده است (که سابقاً آن را مطرح کردیم).

